

بخش ۱ مقدمه

۱

درآمدی بر نظریه‌ی شخصیت

این برداشت سطحی از شخصیت، تعریف مقبول در بین روانشناسان نیست. در بین نظریه‌پردازان شخصیت تعریف واحدی از شخصیت وجود ندارد و هریک از نظریه‌پردازان، شخصیت را از دید خودش در نظر می‌گرفت که منجر به وجود آمدن نظریه‌های منحصربه‌فردی شده است. باینکه تعریف واحدی از شخصیت وجود ندارد، ولی می‌توانیم بگوییم که:

«شخصیت الگوی صفات نسبتاً دائمی و ویژگی‌های منحصربه‌فرد است که به رفتار شخص ثبات و فردیت می‌بخشد (رابرتس و مروچک، ۲۰۰۸).»

صفات به تفاوت‌های فردی در رفتار، ثبات رفتار در طول زمان و پایداری رفتار در موقعیت‌های مختلف کمک می‌کنند. صفات ممکن است منحصربه‌فرد باشند، در برخی گروه‌ها مشترک بوده، یا کل اعضای گونه در آن سهمیم باشند، اما الگوی آنها برای هر فرد متفاوت است.

نظریه چیست؟

برخی کلمه‌ی «نظریه» را با واقعیت یا حقیقت مقایسه می‌کنند. در علم، نظریه‌ها ابزارهایی هستند که برای تحقیق و سازمان دادن به مشاهدات مورد استفاده قرار می‌گیرند، در حالی که «واقعیت» و «حقیقت» جایگاهی در واژگان علمی ندارند.

تعریف نظریه: «نظریه‌ی علمی، مجموعه‌ای از فرض‌های مرتبط است که به دانشمندان امکان می‌دهد برای تدوین فرضیه‌های آزمون‌پذیر، از استدلال استنتاج منطقی استفاده کنند.»

توضیحات این تعریف:

۱. **نظریه مجموعه‌ای از فرض‌هاست.** یک فرض تنها هرگز نمی‌تواند نیازمندی‌های یک نظریه مناسب را تأمین کند، زیرا یک فرض به‌تنهایی نمی‌تواند چندین مشاهده را ادغام کند.

۲. نظریه مجموعه‌ای از فرض‌های مرتبط است، چرا که فرض‌های مجزا نه می‌توانند فرضیه‌های معنی‌دار تولید کنند و نه اینکه از همسانی درونی برخوردارند.

نکته مهم دو ملاک برای نظریه مفید: تولید فرضیه‌های

معنی‌دار، برخوردار از همسانی درونی.

فلاسفه، روحانیون و متفکران دیگر، به مدت چندین قرن وقتی به ماهیت انسان فکر می‌کردند، سوالات متعددی را مطرح کرده‌اند- چرا افراد به شیوه خاص خودشان رفتار می‌کنند؟ آیا افراد در شکل دادن به شخصیت خودشان حق انتخاب دارند؟ چه چیزی شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین افراد را توجیه می‌کند؟ آیا نیروهای پنهان و ناهشیار، رفتار افراد را کنترل می‌کنند؟ چه چیزی موجب اختلالات روانی می‌شود؟ آیا رفتار انسان بیشتر به‌وسیله‌ی وراثت شکل می‌گیرد یا محیط؟ - که البته تا همین اواخر، در یافتن پاسخ‌های رضایت‌بخش به این سوالات پیشرفت کمی داشتند؛ اما کمی بیش از صد سال قبل، زیگموند فروید گمانه‌زنی‌های فلسفی را با روش علمی ابتدایی ترکیب کرد. فروید درواقع اولین کسی بود که عمدتاً براساس مشاهدات بالینی خویش نظریه‌ی بزرگی را به‌وجود آورد که سعی داشت کل شخصیت را در تمام افراد توضیح دهد. نظریه‌پردازان دیگر نیز، از دیدگاه‌های مختلف، نظریه‌های بزرگ دیگری را به‌وجود آوردند که البته در طول قرن بیستم نظریه‌ها به جای مشاهدات بالینی، بیشتر بر مشاهدات علمی استوار بوده‌اند.

نکته مهم دو شاخه‌ی مطمئن برای نظریه‌های شخصیت:

مشاهدات بالینی و مشاهدات علمی.

شخصیت چیست؟

موجودات در هرگونه زنده‌ای تفاوت‌ها و تغییرپذیری‌هایی را نشان می‌دهند، اما درجه‌ای که انسان‌ها با یکدیگر تفاوت دارند، هم از لحاظ جسمانی و هم روانی، بسیار حیرت‌انگیز و تا اندازه‌ای منحصربه‌فرد در بین گونه‌هاست. انسان‌ها برخی ساکت و درون‌گرا و برخی دیگر مشتاق تماس اجتماعی و تحریک هستند؛ برخی آرام و متعادل‌اند، در حالی که دیگران تدمزاج و همواره مضطرب هستند. این کتاب اینکه چگونه این تفاوت‌ها در شخصیت انسان ایجاد شده‌اند را بررسی می‌کند.

اغلب روانشناسان قبول دارند که کلمه «شخصیت» از واژه لاتین **پرسونا** به دست آمده است که به ماسک نمایشی اشاره دارد که هنرپیشه‌های رومی در نمایش‌های یونانی بر چهره می‌زدند تا نقش ظاهری کاذب را نمایش دهند.

باید زندگی خود را اداره کند، نظریه محسوب نمی‌شود، بلکه اینگونه اصول، مناسب فلسفه هستند. گرچه نظریه‌ها ارزش‌ها را نیز در بردارند، ولی براساس شواهد علمی استوار هستند که به صورت نسبتاً بی‌طرفانه به دست آمده‌اند. فلسفه به آنچه که باید باشد می‌پردازد، در حالی که نظریه با یک رشته اظهارات اگر-در اینصورت سروکار دارد، اما خوبی یا بدی نتایج این اظهارات از حیطه نظریه خارج است.

۲. گمانه‌زنی

نظریه‌ها بر گمانه‌زنی متکی هستند، اما خیلی بیشتر از صرفاً گمانه‌زنی نظری هستند. نظریه‌ها از ذهن متفکران بزرگ با اطلاعاتی که به صورت تجربی گردآوری شده‌اند و با علم ارتباط نزدیکی دارند، سرچشمه می‌گیرند.

رابطه نظریه با علم: علم به مشاهده و طبقه‌بندی اطلاعات و اثبات قوانین کلی از طریق آزمودن فرضیه‌ها مربوط می‌شود. نظریه‌ها ابزارهای مفیدی هستند که دانشمندان آنها را برای معنی دادن به مشاهدات و سازماندهی آنها به کار می‌برند. علاوه بر این، نظریه‌ها زمینه مناسبی را برای ساختن فرضیه‌های آزمون‌پذیر آماده می‌سازند. علم بدون داشتن نوعی نظریه برای یکپارچه کردن مشاهدات و هدایت شدن به سمت پژوهش، کاملاً عاجز خواهد ماند.

۳. فرضیه

نظریه، مفهوم محدودتر از فلسفه، اما گسترده‌تر از فرضیه است. یک نظریه خوب می‌تواند چندین فرضیه تولید کند. فرضیه حدس یا پیش‌بینی هوشمندانه‌ای است که اعتبار آن را می‌توان با استفاده از روش علمی اثبات کرد. یک نظریه جامع می‌تواند هزاران فرضیه تولید کند که می‌توان آنها را آزمود. پژوهشگر می‌تواند با استفاده از استدلال قیاسی یا استنتاجی (از کل به جزء رفتن) از یک نظریه مفید، فرضیه‌های آزمون‌پذیر بسازد و آنها را آزمایش کند. سپس نتایج این آزمایش‌ها به نظریه بازخورد داده می‌شود و پژوهشگر با استفاده از استدلال استقرایی (از جزء به کل رفتن) نظریه را تغییر می‌دهد تا این نتایج را منعکس کند.

۳. **واژه مهم فرض‌هاست.** عناصر تشکیل‌دهنده یک نظریه، واقعیت‌های ثابت شده‌ای نیستند. با این حال، آنها انگار که درست هستند، پذیرفته شده‌اند که این گامی عملی است که دانشمندان را بر آن می‌دارد تا بتوانند پژوهش مفید انجام دهند و نتایج آن، به نظریه اصلی شکل تازه‌ای بدهد.

۴. پژوهشگران از استدلال استنتاج منطقی برای تدوین فرضیه‌ها استفاده می‌کنند. اصول یک نظریه باید با دقت و همسانی منطقی کافی بیان شده باشند تا به دانشمندان امکان دهند فرضیه‌های روشن را استنتاج کنند. فرضیه‌ها عناصر تشکیل‌دهنده نظریه نیستند، بلکه از آن به دست می‌آیند. دانشمند خلاق وظیفه دارد با نظریه کلی شروع کند و از طریق استدلال استنتاجی یا قیاسی، به فرضیه خاصی برسد که بتوان آن را آزمایش کرد. همین‌طور اگر پژوهشگر برای استنتاج فرضیه‌ها از منطق غلط استفاده کند، پژوهش حاصل بی‌معنی خواهد بود و نمی‌تواند به فرایند نظریه‌پردازی کمک کند.

۵. **آزمون‌پذیر بودن.** اگر نتوان فرضیه را به گونه‌ای آزمایش کرد، بی‌ارزش است. لزومی ندارد که فرضیه بلافاصله آزمایش شود، ولی باید به دانشمندان امکان دهد تا در آینده، وسیله لازم را برای آزمودن آن به وجود آورند.

نظریه و بستگان آن

چهار مفهوم مرتبط با نظریه:

۱. فلسفه

نظریه خیلی محدودتر از فلسفه است. فیلسوفان دانشمند نیستند؛ چرا که آنها در دنبال کردن خردمندی خود، از تحقیقات کنترل شده استفاده نمی‌کنند.

نکته مهم یکی از شاخه‌های فلسفه معرفت‌شناسی یا ماهیت دانش است که ارتباط بسیار نزدیکی با نظریه دارد، زیرا ابزاری است که دانشمندان در دنبال کردن دانش از آن استفاده می‌کنند.

نظریه‌ها به «حتماً ها» و «باید‌ها» نمی‌پردازند؛ بنابراین، یک رشته اصول درباره اینکه یک نفر چگونه

۴. طبقه‌بندی

طبقه‌بندی، رده‌بندی چیزها برطبق روابط طبیعی آنهاست. طبقه‌بندی‌ها برای رشد علم ضروری هستند. اگر طبقه‌بندی‌ها بتوانند فرضیه‌های آزمون‌پذیر تولید کنند و یافته‌های پژوهشی را توضیح دهند، می‌توانند به صورت نظریه درآیند؛ مانند رابرت مک کری و پل کاستا که طبقه‌بندی آنها در مورد پنج صفت شخصیت پایدار، نهایتاً منجر به نظریه‌ای شد که می‌تواند فرضیه‌هایی را مطرح کند و توجیهاتی را برای نتایج تحقیق ارائه دهد.

تست نظریه محدودتر از ...، اما گسترده‌تر از ... می‌باشد.

- الف** فلسفه، گمانه‌زنی **ب** فلسفه، فرضیه
ج فرضیه، طبقه‌بندی **د** فرضیه، گمانه‌زنی

پاسخ (گزینه ب).

چرا نظریه‌های متفاوت وجود دارند؟

ماهیت نظریه به نظریه‌پرداز امکان می‌دهد تا از دیدگاه خاصی گمانه‌زنی کند. تصمیمات نظریه‌پرداز در مورد اینکه چه اطلاعاتی جمع‌آوری و چگونه تفسیر شوند، کاملاً شخصی هستند. نظریه‌ها بر فرض‌هایی استوارند که در معرض تعبیر فردی قرار دارند. همه نظریه‌ها انعکاسی از پیشینه شخصی، تجربیات کودکی، فلسفه زندگی، روابط میان فردی و دیدگاه منحصربه‌فرد نظریه‌پرداز در مورد دنیا هستند. چون مشاهدات تحت تاثیر چارچوب دآوری مشاهده‌گر قرار دارند، پس طبیعی است که نظریه‌های گوناگون داشته باشیم. با این وجود، نظریه‌های مختلف می‌توانند مفید باشند.

نتیجه‌گیری سودمندی یک نظریه به توانایی آن در تولید پژوهش و توضیح دادن اطلاعات پژوهشی و مشاهدات بستگی دارد.

شخصیت نظریه‌پردازان و نظریه‌های شخصیت آنها

مطالعه شخصیت نظریه‌پردازان مناسب است، چرا که نظریه‌های شخصیت از شخصیت خودِ نظریه‌پرداز به‌وجود می‌آید. اخیراً شاخه‌ای فرعی در روان‌شناسی

به نام روان‌شناسی علم به‌وجود آمده است که صفات شخصی، دانش و رفتار دانشمندان را مطالعه می‌کند؛ یعنی، تاثیر فرایندهای روانشناختی و خصوصیات شخصی دانشمند را بر شکل‌گیری نظریه‌های علمی و پژوهشی او بررسی می‌کند. چند پژوهشگر ثابت کرده‌اند که تفاوت‌های شخصیت، بر جهت‌گیری نظری و تمایل فرد به سمت جنبه «افراطی» یا «معتدل» یک رشته یا نظام تاثیر می‌گذارند.

تفاوت‌های شخصیت نظریه‌پردازان، اختلافات اساسی را بین دو گروه از روانشناسان توجیه می‌کند:

■ روانشناسانی که گرایش به جنبه کمی روانشناسی دارند: رفتارگرایان، نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی و نظریه‌پردازان صفت.

■ روانشناسانی که گرایش به جنبه کیفی و بالینی روانشناسی دارند: روان‌کاوان، انسان‌گرایان و وجودنگرها. هرچند شخصیت نظریه‌پرداز تا حدودی نظریه او را شکل می‌دهد، اما برای ارزیابی و انتخاب یک نظریه باید آن را براساس ملاک‌های علمی که از سابقه شخصی مستقل هستند، ارزیابی کرد.

چند پژوهشگر، علم به‌عنوان فرایند را از علم به‌عنوان دستاورد متمایز کرده‌اند.

■ **علم به‌عنوان فرایند:** فرایند علمی می‌تواند تحت تاثیر ویژگی‌های شخصی دانشمند قرار گیرد.

■ **علم به‌عنوان دستاورد:** فایده‌نهایی دستاورد علمی باید مستقل از فرایند و براساس ملاک‌های علمی ارزیابی شود.

بنابراین ارزیابی فرد از هر نظریه باید براساس **ملاک‌های عینی** باشد و نه براساس دوست داشتن یا نداشتن ذهنی فرد.

تست همه گزینه‌های زیر به جنبه‌های کمی روانشناسی توجه دارند به‌جز:

- الف** رفتارگرایان **ب** نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی
ج انسان‌گرایان **د** نظریه‌پردازان صفت

پاسخ (گزینه ج).

۱. نظریه مفید پژوهش تولید می‌کند

نکته بسیار مهم

مهمترین ملاک برای یک نظریه مفید، توانایی آن در برانگیختن و هدایت کردن پژوهش بیشتر می‌باشد.

نظریه مفید دو نوع پژوهش تولید می‌کند: **پژوهش توصیفی و فرضیه آر مایی**.

■ **پژوهش توصیفی:** به اندازه‌گیری، نام‌گذاری و طبقه‌بندی واحدهایی می‌پردازد که در ساخت نظریه به کار گرفته شده‌اند. پژوهش توصیفی می‌تواند نظریه موجود را گسترش دهد و هرچه مقدار پژوهش توصیفی بیشتر باشد، نظریه کامل‌تر خواهد بود.

نکته پژوهش توصیفی با نظریه رابطه همزیست دارد، یعنی از یک سو عناصر اصلی را برای نظریه تأمین می‌کند و از سوی دیگر، نیروی محرک خود را از این نظریه پویا و رو به گسترش به دست می‌آورد.

■ **فرضیه آر مایی:** هر نظریه تولید فرضیه‌هایی می‌کند که با آزمایش کردن آنها به اطلاعات موجود افزوده می‌شوند و نظریه را دوباره بازآرایی می‌کنند. فرضیه آر مایی، به تأیید غیرمستقیم سودمندی نظریه منجر می‌شود.

۲. نظریه مفید ابطال‌پذیر است

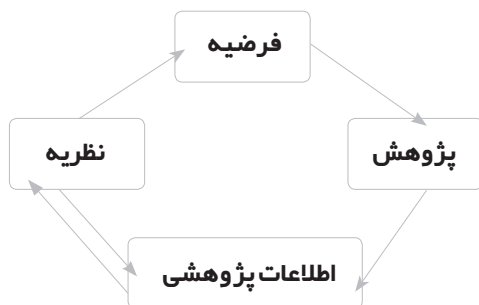
ابطال‌پذیری یعنی اینکه یک نظریه را می‌توان تأیید یا رد کرد. برای ابطال‌پذیری نظریه باید به قدر کافی دقیق باشد که پژوهشی را معرفی کند که اصول آن را تأیید یا رد کند. ابطال‌پذیری به معنی غلط بودن نیست، بلکه یعنی اینکه نتایج منفی پژوهش، نظریه را رد خواهند کرد که نظریه‌پرداز مجبور می‌شود آن را کنار بگذارد یا تغییر دهد. نظریه ابطال‌پذیر، می‌تواند پاسخگوی نتایج آزمایش باشد.

تمایز علم از غیر علم: علم توانایی رد کردن عقایدی که منطقی و معقول به نظر می‌رسند، ولی حمایت تجربی ندارند را دارد.

نظریاتی که قویاً بر تغییرات غیرقابل مشاهده در ناهشیار متکی هستند، به سختی می‌توانند اثبات یا

چه چیزی باعث می‌شود یک نظریه مفید باشد؟

یک نظریه مفید تعدادی فرضیه تولید می‌کند که از طریق پژوهش بررسی می‌شوند و بنابراین اطلاعات پژوهشی به بار می‌آورند. این اطلاعات به نظریه برگردانده شده و آن را بازسازی می‌کنند. سپس از این نظریه بازسازی شده فرضیه‌های دیگری استخراج شده و به پژوهش و اطلاعات بیشتر منجر می‌شود و نظریه را گسترش می‌دهد و تا وقتی که نظریه همچنان مفید باشد، این رابطه چرخه‌ای ادامه می‌یابد. نظریه مفید اطلاعات پژوهشی را در یک ساختار معنی‌دار سازمان می‌دهد و توجیهی برای نتایج پژوهش علمی فراهم می‌آورد. این رابطه بین نظریه و اطلاعات پژوهشی در شکل زیر نشان داده شده است:



شکل ۱-۱. رابطه بین نظریه، فرضیه‌ها، پژوهش و اطلاعات پژوهشی

نکته در صورتی که یک نظریه، دیگر نتواند پژوهش بیشتر یا اطلاعات پژوهشی بیشتری تولید کند و یا اطلاعات پژوهشی مرتبط را توضیح دهد، سودمندی خود را از دست می‌دهد و به نفع نظریه مفیدتر، کنار گذاشته می‌شود.

شش ملاک ارزیابی نظریه مفید:

۱. پژوهش تولید کند.
۲. ابطال‌پذیر باشد.
۳. اطلاعات را سازمان دهد.
۴. رهنمود دهد.
۵. همسانی درونی داشته باشد.
۶. از قانون ایجاز تبعیت کند.

نکته بسیار مهم

نظریه مفید از مفاهیم و اصطلاحاتی استفاده می‌کند که به روشنی و به صورت عملیاتی تعریف شده‌اند.

تعریف عملیاتی (Operational definition): تعریفی

است که واحدها را برحسب رویدادها یا رفتارهای قابل مشاهده‌ای که بتوان آنها را ارزیابی کرد، توصیف می‌کند. برای مثال، تعریف عملیاتی یک فرد برون‌گرا، می‌تواند اینطور باشد که در یک پرسشنامه شخصیت خاص، نمره از پیش تعیین شده‌ای کسب می‌کند.

۶. نظریه مفید از قانون ایجاز تبعیت می‌کند

قانون ایجاز (Law of parsimony): در صورتی که دو نظریه در تمام پنج ویژگی قبلی ذکر شده برابر باشند، نظریه ساده‌تر، برتر است.

نکته مهم به‌طور کلی نظریه‌های ساده‌تر و روشن‌تر، از نظریه‌هایی که مفاهیم پیچیده و زبان مبهم دارند، مفیدتر هستند.

نست نظریه‌ای که از مفهوم واحدی برای توضیح اصطلاحات متفاوت استفاده می‌کند، می‌توان گفت که این نظریه:

الف ابطال‌پذیر نیست.

ب از قانون ایجاز تبعیت نمی‌کند.

ج همسانی درونی ندارد.

د اطلاعات را سازمان نمی‌دهد.

پاسخ (گزینه ج).

ابعادی برای برداشت از انسان

ما برای در نظر گرفتن برداشت هر نظریه‌پرداز از انسان، از شش بُعد زیر استفاده می‌کنیم:

۱. **جبرگرایی در برابر انتخاب آزاد:** گرچه بُعد جبرگرایی در برابر اراده آزاد، بیشتر فلسفی است تا علمی، اما موضوعی که نظریه‌پردازان در این باره می‌گیرند، نحوه نگرش آنان به افراد را شکل می‌دهد و برداشت آنها از انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جبرگرایی در برابر انتخاب آزاد در پی پاسخ به این سوال است که

ابطال شوند؛ مانند نظریه فروید که خیلی از هیجان‌ها و رفتارها را به نیروهای ناهشیار نسبت می‌دهد. درواقع چون نظریه فروید اینگونه تغییرات را در ناهشیار امکان‌پذیر می‌داند، اثبات یا ابطال آن تقریباً غیرممکن است. نظریه‌ای که همه چیز را توضیح می‌دهد، درواقع هیچ چیزی را توضیح نمی‌دهد.

۳. نظریه مفید اطلاعات را سازمان می‌دهد

یافته‌های پژوهشی بدون سازمان یا طبقه‌بندی، بی‌معنی و غیرمرتبط هستند، لذا نظریه مفید باید بتواند اطلاعات به دست آمده از پژوهش را که با هم مغایر نیستند، سازمان دهد. نظریه‌ی شخصیتی مفید است که بتواند آنچه را که اکنون درباره رفتار و رشد شخصیت انسان معلوم شده است، ادغام کند.

۴. نظریه مفید رهنمون می‌دهد

منظور از رهنمود دادن این است که بتواند کارورزان را هدایت کند، طوری که آنها بتوانند به مشکلات روزمره خود رسیدگی کنند؛ یعنی بتواند برای بسیاری از سؤال‌هایی که به‌عنوان مثال برای والدین، معلمان، کارفرمایان و روان‌درمانگران به‌وجود می‌آید، پاسخ‌های نتیجه‌بخشی ارائه کند و یا ساختاری را برای یافتن خیلی از این پاسخ‌ها در اختیار بگذارد.

همچنین اغلب نظریه‌های مطرح‌شده در این کتاب، در زمینه‌های غیر از روانشناسی نیز تأثیرگذار بوده‌اند. اینکه یک نظریه تا چه اندازه‌ای تفکر و عمل را در رشته‌های دیگر، مانند هنر، ادبیات، حقوق، جامعه‌شناسی، فلسفه، مذهب، آموزش و پرورش، تجارت و روان‌درمانی برانگیخته کند، نیز در این ملاک می‌گنجد. عقاید بسیاری از نظریه‌پردازان شخصیت، در دامنه وسیعی از رشته‌های علمی، علاقه و اقدامات زیادی برانگیخته‌اند.

۵. نظریه مفید همسانی درونی دارد

نظریه مفید باید با خودش همسان باشد، یعنی اینکه اجزای تشکیل‌دهنده آن از لحاظ منطقی سازگار هستند. همین‌طور از زبان همسان استفاده می‌کند، یعنی از اصطلاح واحدی به معنای دو مفهوم متفاوت و یا از دو اصطلاح متفاوت برای اشاره به یک مفهوم استفاده نمی‌کند.

پیش‌بینی‌های آنها باثبات و دقیق باشند. روانشناسان شخصیت فنون ارزیابی متعدد را برای بررسی ابعاد مختلف شخصیت ابداع کرده‌اند. این ابزارها برای مفید بودن باید پایا و معتبر باشند.

■ **پایایی (reliability):** منظور مقدار نتایج با ثباتی است که ابزار به بار می‌آورد.

■ **اعتبار (validity):** یک آزمون تا چه اندازه‌ای همان چیزی را ارزیابی می‌کند که واقعاً باید ارزیابی کند. ممکن است یک پرسشنامه پایا باشد، ولی معتبر یا دقیق نباشد.

در روانشناسی شخصیت دو نوع اعتبار اهمیت بیشتری دارد: **اعتبار سازه و اعتبار پیش‌بین.**

۷. **اعتبار سازه (Construct validity):** درجه‌ای است که یک ابزار سنجش، چند سازه فرضی را ارزیابی می‌کند. سازه‌هایی مانند برون‌گرایی، پرخاشگری و هوش، سازه‌های فرضی هستند که باید به رفتارهای قابل مشاهده ربط داده شوند.

سه نوع اعتبار سازه مهم:

الف) اعتبار همگرا (Convergent validity): یعنی اینکه نمره‌های به دست آمده از یک ابزار، با نمره‌های ابزار معتبر دیگری که ساختار یکسانی دارند، همبستگی عالی داشته باشد.

ب) اعتبار واگرا (Divergent validity): با ابزار دیگری که آن سازه را ارزیابی نمی‌کنند، همبستگی پایین یا بی‌معنی داشته باشد.

ج) اعتبار افتراقی (Discriminant validity): ابزار باید بتواند دو گروه افراد را که معلوم شده است متفاوت‌اند، از هم متمایز کند.

د) اعتبار پیش‌بین (Predictive validity): اینکه یک آزمون تا چه اندازه‌ای می‌تواند رفتار آینده را پیش‌بینی کند.

نکته مهم ارزش نهایی هر ابزار سنجش، درجه‌ای است که بتواند رفتار یا شرایط آینده را پیش‌بینی کند.

آیا رفتارهای افراد توسط نیروهای تعیین می‌شوند که کنترلی بر آنها ندارند، یا اینکه افراد می‌توانند تصمیم بگیرند و آنچه را که دوست دارند، باشند؟

۲. **بدبینی در برابر خوش‌بینی:** در بین نظریه‌پردازان، به‌طور کلی کسانی که جبرگرا هستند بدبین‌اند (به استثنای اسکینر) و کسانی که به اراده آزاد معتقدند، خوش‌بین‌اند.

۳. علیت در برابر غایت‌مندی:

■ **علیت:** رفتار انسان حاصل تجربیات گذشته است. ■ **غایت‌مندی:** رفتار را می‌توان برحسب هدف‌ها یا مقاصد آینده توجیه کرد.

۴. **عوامل تعیین‌کننده هشیار در برابر ناهشیار:** آیا افراد از اعمال و چرایی انجام دادن آنها آگاهی دارند یا اینکه عوامل ناهشیار آنها را مشخص می‌کند؟

۵. **عوامل تاثیرگذار زیستی در برابر اجتماعی:** آیا انسان‌ها عمدتاً موجودات زیستی هستند یا اینکه شخصیت آنها با توجه به روابط اجتماعی شکل می‌گیرد؟

■ **وراثت در برابر محیط:** آیا بیشتر وراثت ویژگی‌های شخصی را تعیین می‌کند یا ویژگی‌های محیطی؟

۶. **بی‌همتایی در برابر شباهت‌ها:** آیا باید بر صفاتی متمرکز بود که افراد را مشابه می‌کنند یا صفاتی که افراد را از هم متمایز می‌کنند؟

پژوهش در نظریه شخصیت

یادآوری: ملاک اصلی برای نظریه مفید: **توانایی آن در تولید پژوهش**

همیشه تمام اطلاعات از پژوهش آزمایشی به دست نمی‌آیند، بلکه اغلب اطلاعات از مشاهداتی به دست می‌آیند که هر یک از ما هر روز انجام می‌دهیم. مشاهده، صرفاً به معنی توجه کردن به چیزی است. روانشناسان رفتارهای انسان را مشاهده می‌کنند و به این مشاهدات معنی می‌دهند و می‌کوشند مانند دانشمندان دیگر منظم باشند، به‌طوری‌که

نست اگر نتایج یک ابزار در آزمون‌های مختلف تکرار شود، آن وقت می‌توان گفت که این آزمون از ... برخوردار است؟

الف پایایی
ب اعتبار سازه
ج اعتبار افتراقی
د اعتبار پیش بین

پاسخ) گزینه الف.

